

متن پرسش

سلام علیکم. می‌خواستم نظرانان در مورد فرمایشات رهبری که در زیر می‌آید بدانم: «خب، حالا این مطلب را من عرض بکنم - شاید پاسخی هم باشد به سؤالی که این برادر عزیزمان در پایان جلسه مطرح کردند - که علم برای یک جامعه‌ی انسانی، یک موهبت الهی است: هم علوم ارزشی و علوم معرفتی، و هم علمی که به انسان کمک میکند تا در این طبیعت عظیم و در این خلقت شگفت‌آور خدای بزرگ، از گنجینه‌های که خدا برای انسان در این طبیعت قرار داده، بیشتر و بهتر استفاده کند. از اول پیدایش انسان، حرکت انسان به سمت پیدا کردن رموز طبیعت و کشف کردن کوچه پس‌کوچه‌های تو در توی این ساخت عظیم و بافت بزرگ به کار گرفته شده و اسلام و همه‌ی ادیان این را تأیید میکنند. شما نمیتوانید در هیچ دینی - بخصوص دین اسلام - یک تعبیر و جمله‌ای پیدا کنید که نشان‌دهنده‌ی این باشد که این علوم دنیوی فایده‌ای ندارد یا مضر است یا نباید دنبالش رفت؛ بعکس، همه‌ی این دانشهائی که تا امروز بشر به آنها دست پیدا کرده - که وسیله‌ای است برای اینکه انسان بتواند از این حقیقتی که وجود دارد و این طبیعتی که خدا برای ما آفریده، بهتر استفاده کند - و همچنین دانشهائی که تا امروز بشر به آنها دست پیدا نکرده - شاید دانشهای بیشتری در آینده پیدا خواهد شد که حجم و کمیت آنها از همه‌ی دانشهای بشری از اول تا حالا بیشتر است و بشر در آینده به آنها دست پیدا خواهد کرد - همه‌ی این دانشها از نظر اسلام با ارزش است. خود علم ارزش است. این ارزش را کسانی میتوانند به ضد ارزش تبدیل کنند که از او علیه منافع بشریت استفاده کنند؛ اما خود دانش یک ارزش است. به برکت دانش، معرفت خدا هم آسان میشود. کسانی که دارای علم‌اند، بیشتر میتوانند حقانیت پیام پیغمبران و حقانیت پیام راستین اسلام را بفهمند. علم را با شهوات، با غرضها و با چیزهائی که در عالم مادی و گرایشهای مادی وجود دارد، مخلوط نباید کرد. آنی که آنجا بد است، او ضد ارزش حرکت کردن آنها و شهوانی و نفسانی بهره‌گیری کردن از علم است، نه خود علم. بنابراین علم یک ارزش است؛ در این شک نکنید. هم علوم معرفتی، علوم ارزشی، علوم حقیقی یا اعتباری‌ای مثل فلسفه یا فقه یا امثال اینها خیلی با ارزش است و هم علمی که وسیله‌ی کشف دنیای موجود در اختیار بشر و کشف رازهای آن و توانا شدن بر استفاده‌ی بهتر از این گنجینه‌ی عظیم است. این دنیائی که در اختیار ماست، این زمینی که در اختیار ماست، این موادی که در اختیار ماست، ای بسا میلیونها برابر بهره‌ای که امروز بشر از آنها استفاده میکند، قابل بهره‌برداری باشد. از همین آب، از همین خاک، از همین مواد، از همین هوا، از همین موادی که در زیر زمین هست و از همین چیزهائی که در اختیار ماست و ما ارزش اینها را

نمیدانیم، ای بسا بشر در آینده بهره‌های خیلی فراوانی ببرد. ما امروز نفت را میسوزانیم؛ ممکن است در آینده، بهره‌مندی‌هایی از نفت برای بشر به دست بیاید و به قدری ارزشمند بشود که هیچ عاقلی حاضر نباشد یک قطره‌ی نفت را بسوزاند؛ به جای آن از انرژیهای دیگر استفاده کنند. شما ببینید، امروز از زباله‌ی شما بازیافتِ مواد باارزش میکنند. خب، زباله زباله است؛ این یک مثال خیلی کوچک است. خیلی از چیزها هست که ممکن است از آنها استفاده بشود؛ به چه وسیله میشود آنها را فهمید؟ به چه وسیله میشود به راههای دَه توی طبیعت پی برد و راه برد و از آنها استفاده کرد؟ به وسیله‌ی علم. اینی که پیغمبر میفرماید: «اطلبوا العلم و لو بالصَّین»، نمیخواهد بگوید بروید فلسفه یا فقه را از چین یاد بگیرید؛ بروید دانش را - هر دانشی؛ علم و آنچه که بر علم مترتب میشود یعنی فناوری و توانائیهای فراوان سرپنجه‌ی بشری - یاد بگیرید؛ اینها چیزهای لازمی است. خب، این یک مقداری پرداختن به مسائل بدیهی بود؛ یعنی بنده تصور هم نمیکردم که در بین شما جوانان نخبه کسی باشد که در این زمینه شک و تردیدی داشته باشد و تصور کند که حالا اسلام چه میگوید. سند چشم‌انداز هم مطلقاً یک قطعه‌ای از نگاههای غربی نیست. ما جهت را عوض کرده‌ایم. ببینید، یک نکته‌ای که شما جوانها خوب است به آن توجه کنید، این است که خیلی از چیزها هست که قالب آن ایرادی ندارد، اما جهتش اشکال دارد؛ ما در اسلام هم از این قبیل چیزها داشتیم. همین حج و عمره‌ای که شماها میروید و اینقدر دختر جوان ما و پسر جوان ما - با آن دل‌های پاکشان - تحت تأثیر آن قرار میگیرند، این حج یک رسم جاهلی است و در جاهلیت بوده. همین طوافی که شما میکنید، این طواف را در دوران جاهلیت میکردند. در موسم حج، که موسم حج هم همین ماه‌های حرام بود، از اطراف عربستان - حالا در بیرون عربستان کسی اعتقاد نداشت - راه می‌افتادند و به مکه می‌آمدند، برای اینکه اطراف کعبه طواف کنند. قالب کار، همین قالب کاری است که شما انجام میدهید؛ اما محتوا و جهت کار، صد و هشتاد درجه تفاوت دارد. امروز شما اطراف کعبه که حرکت میکنید، توحید را دارید تجسم میکنید؛ حرکت عظیم عالم بر محور وجود خالق متعال؛ که اینجا یک حرکت سمبلیک و یک حرکت نمادین به وجود آمد و کعبه شد مظهر توحید در اسلام، و حج شد بهترین عامل برای توحید کلمه در یک مجمع عظیم جهان اسلام؛ این جهتِ امروز آن است. جهت جاهلیت صد و هشتاد درجه تفاوت داشت و نقطه‌ی مقابل این بود؛ بنهای گوناگونی بیرون کعبه و درون کعبه آویخته بودند؛ کسانی که می‌آمدند و دور کعبه حرکت میکردند، در واقع دلباخته و دلبسته‌ی آن بت بودند و از خدای واحد احد چیزی نمیفهمیدند. خود این حرکت کردن هم نه فقط آنها را به هم نزدیک نمیکرد، آنها را از هم دور میکرد؛ چون دلبستگی‌هایشان با هم فرق داشت؛ یکی به خاطر فلان بت دور کعبه میگشت و دیگری به خاطر فلان بت دیگر که همه‌ی اینها توی کعبه جمع بودند. پیغمبر حج و طواف و سعی را مطلقاً تغییر نداد - این قالب حفظ شد - جهت آن را صد و هشتاد درجه عوض کرد؛ حجتی که مظهر شرک و بت‌پرستی و خرافه‌پرستی و عصبیت و جهالت محض بود، تبدیل شد به مظهر توحید، مظهر صفا، مظهر اخلاص و دلباختگی در مقابل ذات اقدس الهی. قالبها اشکالی ندارند.

تکنولوژی هسته‌ای هیچ گناهی نکرده، گناه مال آن کسی است که جهت او را جهت تخریب انسانها قرار میدهد. یا مثلاً فناوریهای پیشرفته‌ی نانو، یا صنایع الکترونیک بسیار پیشرفته و آیرودینامیک و امثال اینها گناهی ندارند؛ اینها خیلی خوبند و ابزارهائی هستند برای اینکه انسان بتواند در دنیا از منابع و فرصتهائی که خدا در این طبیعت قرار داده، به بهترین وجهی استفاده کند. گناه مال آن کسانی است که از این نعمت خدادادی و از این گنجینه‌ی الهی، برای زورگوئی به بشر، تسلط به دیگران و پامال کردن حقوق دیگران استفاده میکنند. شما که مبنای خوبی دارید، شما که به خدا معتقدید، شما که به کرامت انسان معتقدید، شما که با ظلم و غصب و تعدی و تجاوز مخالفید، شما که استکبار و جامعه‌ها یا حکومت‌های برآمده‌ی از شهوات شخصی و جمعی را تقبیح میکنید، شما این علوم را یاد بگیرید تا ارزشهای خودتان را در دنیا ترویج کنید و معارف خودتان را در دنیا حاکم کنید. این چیز بدی است؟! یک نفر سوار هواپیما میشود و برای عیاشی و هرزگی، به فلان شهر فلان کشور میرود؛ یک نفر هم سوار همین هواپیما میشود، میرود برای زیارت خانه‌ی خدا؛ این هواپیما که گناهی ندارد؛ جهت‌ها فرق میکند. شما دانش و فناوری را فرا بگیرید و از هوش ویژه‌ی‌ای که در شما هست - که من حالا اشاره خواهم کرد و بعضی از دوستان هم گفتند - استفاده کنید، برای اینکه در این جهت، قله را فتح کنید. آن وقت از این موقعیت و از این فرصت، برای نشر ارزشهای حقیقی - به جای ارزشهای دروغین، به جای نفسانیات، به جای هرزگی، به جای سلطه‌ی زر و زور بر سرنوشت بشر - استفاده کنید. دیدار نخبگان جوان دانشگاهی با رهبر انقلاب (۵/۰۶ / ۸۷) آیا این مطالب نشان میدهد که نگاه رهبری به مسائل تکنولوژی متفاوت با نگاه اندیشمندانی چون آقای داوری و... است؟

متن پاسخ

باسمه‌تعالی: سلام‌علیکم: بنده فکر می‌کنم مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» با توجه به این که مسئولیت مدیریت و هدایت جامعه را دارند باید تکلیف امروز ما را با تکنولوژی و علم روشن کنند و بهترین برخورد همین است که جهت‌گیری این علم را روشن می‌کنند. می‌فرمایند علم باید در راستای منافع بشریت جلو رود و علم را نباید با غرض‌ها و گرایش‌های مادی مخلوط کرد. عملاً وقتی جهت‌گیری این علم عوض شود تکنیکی هم که ظهور می‌کند تکنیک دیگری است که حرص و هوس بر آن حاکم نیست که منجر به تخریب طبیعت شود و امثال دکتر داوری حرفشان همین است که فراموش نکنیم تکنولوژی موجود با فرهنگی که آلوده به حرص و هوس است شکل گرفته و باید مواظب آن فرهنگ در کنار تکنیک باشیم. موفق باشید